

# ریشه‌ها و پیامدهای نقض حقوق انسانی در دارفور

دکتر زهره بالازاده\*

بی‌گناه بویژه بومیان سیاه‌پوست آفریقایی دارند و به ظاهر از کسی حرف‌شنوی ندارند. آنها از سوی برخی دولت‌ها (بویژه ایالات متحده آمریکا) جنایتکار جنگی معرفی شده‌اند ولی «سازمان ملل متحد عملیات دولت سودان و شبه‌نظامیان عرب هوادار آن موسوم به جانجاویدها را که متهم به سرکوب جمعیت آفریقایی تبار منطقه هستند نسل‌کشی نمی‌داند».<sup>۱</sup> دولت سودان می‌گوید که کمابیش ۱۹ گروه شورشی در این ناحیه بحرانی زده فعال هستند. بر پایه آمارهای سازمان ملل متحد، تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار تن در جنگ‌های دارفور کشته و دو و نیم میلیون تن آواره شده‌اند.<sup>۲</sup>

این جنگ و خونریزی سبب شده است که مردمان دارفور به کشورهای همسایه بویژه چاد بگریزند و از خانه و کاشانه خود آواره شوند. گروهی از پناهندگان دارفوری نیز به مصر پناه برده‌اند که با واکنش بد مصریان روبه‌رو شده‌اند.<sup>۳</sup>

در این سالهای بحرانی، گذشته از شبه‌نظامیان جانجاوید و نیروهای شورشی بومی، نیروهایی از دیگر

ناحیه بحرانی زده دارفور یکی از ایالت‌های باختری سودان است که در زمینهای بایر و کوهستانی پایین صحرای باختری قرار گرفته است. برخلاف بیشتر سودانیها که عرب و مسلمانند، مردمان دارفور غیر عرب و مسیحی‌اند. قبایل عرب سودان یک اقلیت مسیحی غیر عرب را در میان خود بر نمی‌تابند و از این رو آنان را در تنگنا گذاشته‌اند تا ناگزیر از دست کشیدن از خانه و کاشانه خود شوند.

فجایع دارفور در نخستین ماههای ۲۰۰۳ بدین گونه آغاز شد که یک گروه شورشی باعنوان «جنبش آزادی بخش خلق سودان» از قبایل غیر عرب ساکن دارفور در برابر دولت مرکزی سودان سلاح به دست گرفتند و بی‌توجهی دولت به این ناحیه را بهانه خود قرار دادند و برای رسیدن به استقلال دست به مبارزه مسلحانه زدند. دولت سودان برای رویارویی با این گروه، شبه‌نظامیانی از قبایل عرب صحرائشین در آن ناحیه یعنی جانجاویدها را مسلح کرد تا شورش‌ها را بی‌دخالت دولت سودان سرکوب کنند. جانجاویدها برجسته‌ترین نقش را در کشتار مردمان

\* عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

آشکارا و با قاطعیت دولت مرکزی سودان را متهم به قتل عام مردمان دارفور می‌کند؛ اتهامی که از سوی دولت سودان تکذیب می‌شود. به هر رو نکته‌ای که از دید بسیاری کسان پنهان مانده است یا نادیده گرفته شده، این است که ریشه‌های کشمکش بیش از آنکه ویژگی قومی و نژادی داشته باشد، با شرایط زیست محیطی گره خورده است. زیستن در سرزمین خشک و بی‌بروبار موسوم به «ساحل» در جنوب صحرا، بیش از هر چیز دیگر تلاشی است نومیدانه برای برخورداری از آب و خوراک و سرپناه که به نظر نمی‌رسد تا ابد راهی برای رسیدن به آن پیدا شود. زمینهای بارآور بسیار اندکی که در اینجا یافت می‌شود، از دیرباز مایه کشمکش و رقابتهای خونین میان بسیاری از قبایل صحراگرد از یک سو و گروههای یکجانشین (چه عرب و چه آفریقایی) از سوی دیگر بوده است.<sup>۵</sup>

در سپتامبر ۲۰۰۶ کمیسر عالی ملل متحد وضع حقوق بشر در سودان را فاجعه‌آمیز خواند و اعلام کرد که از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ ده‌هزار تن در درگیریها در سودان کشته و بیش از ۲ میلیون ناگزیر از دست کشیدن از خانه و کاشانه خود شده‌اند.

در جهان امروز، پرداختن به حقوق بشر و پیمال شدن آن از سوی دولتهارنگ بین‌المللی یافته است و دولتها به سختی می‌توانند با استناد به داخلی بودن این مسائل، از

### ● بر پایه آمارهای سازمان ملل متحد،

تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار تن در جنگهای دارفور کشته و دو و نیم میلیون تن آواره شده‌اند. این جنگ و خونریزی سبب شده است که مردمان دارفور به کشورهای همسایه بویژه چاد بگریزند و از خانه و کاشانه خود آواره شوند. گروهی از پناهندگان دارفوری نیز به مصر پناه برده‌اند که با واکنش بد مصریان روبه‌رو شده‌اند.

کشورهای آفریقایی به این ناحیه سرازیر شده‌اند و بر مشکلات افزوده‌اند به گونه‌ای که دامنه جنگ و کشتار از باختر سودان به چاد و جمهوری آفریقای مرکزی نیز کشیده شده است و چهار گروه در این جنگ و خونریزی درگیر شده‌اند:

۱- شبه‌نظامیان جانجاوید: دولت چاد سودان را متهم می‌کند که نیروهای سودانی به پشتیبانی از شبه‌نظامیان قبیلۀ عربی جانجاوید نه تنها به اردوگاههای پناهندگان سودانی که از دارفور به چاد گریخته‌اند بلکه به روستاهای آن کشور نیز یورش می‌برند.

۲- شورشی‌های دارفور: در برابر، سودان دولت چاد را به پشتیبانی از شورشی‌های جبهه‌اصلاح ملی دارفور متهم می‌کند و مدعی است که این شورشی‌ها در ستیز با دولت خارطوم، از خاک چاد وارد سودان می‌شوند و سپس به چاد می‌گریزند. چاد با استقرار نیروهای سازمان ملل در مرز خود با سودان موافق است ولی سودان با این پیشنهاد مخالفت ورزیده است.

۳- شورشی‌های جمهوری آفریقای مرکزی: جمهوری آفریقای مرکزی سودان را متهم می‌کند که از «اتحاد نیروهای دموکراتیک برای همبستگی» پشتیبانی می‌کند. این گروه دربرگیرنده نیروهای شورشی مسلحی است که بر شهرهایی از جمهوری آفریقای مرکزی چنگ انداخته است. جمهوری آفریقای مرکزی معتقد است که این شورشی‌ها با پشتیبانی خارطوم و از پایگاه‌های نظامی خود در دارفور عملیاتشان را بر ضد این جمهوری سازماندهی و اجرا می‌کنند. فرانسه هم اکنون نیروهایی برای پشتیبانی از دولت آفریقای مرکزی به این ناحیه فرستاده است.

۴- ارتش چاد: ارتش چاد اعلام کرده است نیروهایی برای کمک به دولت آفریقای مرکزی می‌فرستد. این نیروها قرار است با شورشی‌هایی که از سودان پشتیبانی می‌شوند بجنگند. چاد سودان را متهم می‌کند که می‌خواهد بابت کردن چاد و آفریقای مرکزی از اتحاد این دو کشور که به عقیده چاد به زیان دولت سودان است جلوگیری کند. در تابستان ۲۰۰۷ بیش از ۵۰ هزار تن از ترس بالا گرفتن درگیری‌ها از آفریقای مرکزی به چاد گریخته‌اند.<sup>۶</sup> در زمینه بحران پدید آمده، جامعه جهانی

سرنوشت خودپیکار می‌کند، پذیرفت که چهار شرط مقرر در کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ را رعایت کند.<sup>۶</sup> در حال حاضر جنبشهای آزادی بخش امکان شرکت در ارکان سازمان ملل متحد بعنوان ناظر، امکان شرکت در کنفرانسهای مربوط به تدوین قواعد حقوق بین الملل بعنوان ناظر، بر خورداری از پشتیبانی سازمان ملل از جهت رعایت شدن حقوق جنبشهای آزادی بخش در کشورهای خود و بر خورداری از تضمینات حقوق جنگ در درگیرها را دارند.<sup>۷</sup>

پیمانی که میان دولت سودان و جنبش آزادی بخش خلق سودان بسته شد نمی‌توانست پایدار باشد زیرا برخی از گروههای شورشی از امضای آن سر باز زدند و فجایع در دارفور همچنان ادامه یافت.

تاکنون همایشهایی چند برای حل بحران دارفور برگزار شده است که برای نمونه می‌توان از دو کنفرانس بین المللی طرابلس (در مه ۲۰۰۷) و کنفرانس بین المللی پاریس (در ژوئیه ۲۰۰۷) یاد کرد.

برگزاری نخستین کنفرانس بین المللی نیز نتوانست از وخامت اوضاع در دارفور بکاهد؛ به گونه‌ای که مارگرت بکت وزیر امور خارجه انگلیس در بیانیه‌ای به مناسبت روز دارفور اعلام کرد: در تلاش برای رسیدن به توافق درباره تحریمهای بیشتر هستیم تا در صورت همکاری نکردن دولت و شورشیان، آنها را اعمال کنیم.<sup>۸</sup>

ایالات متحده آمریکا با افزودن بر دامنه تحریمها در ۲۰۰۷، از جمله محروم کردن ۳۱ شرکت سودانی دیگر و شرکتهای نفتی آن کشور از دادوستد با ایالات متحده و دسترسی آنها به سیستم مالی آمریکا به لحاظ وخیم تر شدن اوضاع در دارفور، خواستار تصویب قطعنامه تازه‌ای در سازمان ملل بر ضد سودان شد و افزون بر آن، بر پایه گزارش رسانه‌های خبری آمریکا پیش نویس قطعنامه‌ای را برای تصویب در شورای امنیت درباره ممنوعیت پرواز هواپیماهای نظامی دولت سودان بر فراز دارفور آماده کرد.<sup>۹</sup>

پس از تصویب قطعنامه ۱۹۶۹ شورای امنیت نیز ایالات متحده همچنان پی گیر کاربرد اهرم تحریم است. نماینده آمریکا در سازمان ملل آشکارا تهدید کرده است که چنانچه سودان قطعنامه شورای امنیت را محترم

● در جهان امروز، پرداختن به حقوق بشر و پایداری شدن آن از سوی دولتهارنگ بین المللی یافته است و دولتها به سختی می‌توانند با استناد به داخلی بودن این مسائل، از رسیدگی دیگر کشورها و نهادهای بین المللی به آنها جلوگیری کنند. جامعه جهانی با توجه به اوضاع هراس انگیز در دارفور، بارها کوشیده است با بهره گیری از اهرم تحریم یا از راه مستقر کردن نیروی مشترک در این منطقه جلوی جنگ و خونریزی را بگیرد و به این بحران پایان بخشد.

رسیدگی دیگر کشورها و نهادهای بین المللی به آنها جلوگیری کنند. جامعه جهانی با توجه به اوضاع هراس انگیز در دارفور، بارها کوشیده است با بهره گیری از اهرم تحریم یا از راه مستقر کردن نیروی مشترک در این منطقه جلوی جنگ و خونریزی را بگیرد و به این بحران پایان بخشد:

### الف - به کار گرفتن اهرم تحریم

به علت نقض فاحش حقوق انسانی در دارفور، برخی از اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد (بویژه ایالات متحده آمریکا و بریتانیا) در اوایل ۲۰۰۷ میلادی خواستار اعمال تحریمهای نظامی و اقتصادی در مورد دولت سودان شدند؛ درخواستی که دولت سودان آنرا بی احترامی و توهین به سازمان ملل متحد و سازمانهای منطقه‌ای دانست. اتحادیه عرب همواره بر آن بود که از راه گفتگو می‌توان به بحران دارفور پایان داد و نیازی به تحریم نیست. از این رو با میانجیگری این اتحادیه، در پنجم مه ۲۰۰۶ پیمان صلح دارفور با هدف پایان دادن به سه سال درگیری در آن سرزمین میان دولت سودان و گروه اصلی شورشیان دارفور و جنبش آزادی بخش خلق سودان به امضاء رسید. بر پایه این پیمان، جنبش آزادی بخش ملی که برای تعیین

نشانده، با تحریمهای گوناگون روبه‌رو خواهد شد.

## ب - استقرار نیروی مشترک در دارفور

پیاده کردن نیرو در قلمرو یک کشور گونه‌ای مداخله به‌شمار می‌آید و بر پایه منشور ملل متحد آشکارا منع شده است؛ ولی حقوق بین‌الملل امروزین مداخله بشر دوستانه (Humanitarian Intervention) را مجاز می‌داند. مداخله بشر دوستانه مداخله‌ای است که با هدف پاسداری از حقوق اساسی انسان صورت می‌گیرد و هر گونه نقض عمده، گسترده یا مداوم حقوق اولیه بشر یا حقوقی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و دیگر اسناد مربوط به حقوق بشر آمده است از مصادیق بارز پایمال شدن حقوق اساسی بشر به‌شمار می‌رود. حقوق بین‌الملل نمی‌پذیرد که دولتها با تکیه بر «اصل عدم مداخله» دست به هر کار که می‌خواهند بزنند. از دید حقوقدانان اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها نمی‌تواند توجیه‌کننده رفتار ناپسند برخی دولتها در زیر پای گذاشتن حقوق بشر به گونه گسترده در قلمروشان باشد. یکی از شرایط مداخله بشر دوستانه بر پایه نظریه اوپنهایم حقوقدان انگلیسی آن است که «دولتی با رفتار بیرحمانه با شهروندان یا پیگرد آنان، حقوق بنیادی آنان را به گونه‌ای زیر پای بگذارد که مایه جریحه‌دار شدن وجدان بشری شود».<sup>۱۰</sup>

شورای امنیت در رویارویی با پایمال شدن حقوق انسانی و برای پایان دادن به فجایع در دارفور، در اوت ۲۰۰۶ قطعنامه‌ای تصویب کرد. ۱۲ عضو شورای امنیت به این قطعنامه رأی موافق و روسیه، چین و قطر به آن رأی ممتنع دادند.<sup>۱۱</sup> شورا در این قطعنامه از سازمان ملل متحد خواست که رهبری نیروهای هفت هزار نفری سازمان وحدت آفریقا در دارفور را به دست گیرد. گفتنی است که دولت سودان بارها با مداخله سازمان ملل در دارفور مخالفت و آنرا گونه‌ای دشمنی توجیه‌ناشدنی با سودان توصیف کرده بود و از این‌رو در برابر قطعنامه اوت ۲۰۰۶ در مورد استقرار یک نیروی حافظ صلح سازمان ملل در منطقه آشوب‌زده دارفور در سودان ایستاده بود.

در پی کنفرانس بین‌المللی طرابلس که با حضور نمایندگان آمریکا، مصر، سودان، کانادا، چین، هلند و

روسیه در ژوئیه ۲۰۰۷ در پایتخت لیبی برگزار شد، شورای امنیت استقرار صلح‌بانان متشکل از نیروهای سازمان وحدت آفریقا و سازمان ملل در دارفور را تصویب کرد تا جانشین نیروی ۷ هزار نفری آفریقایی که از دید سازمان ملل متحد کار آبی لازم را نداشتند شوند. خوشبختانه نماینده سودان در سازمان ملل آمادگی دولت متبوع خود را برای دیدار با گروههای شورشی در دارفور اعلام کرد و سپس دولت سودان نیز گفت که به سه هزار صلح‌بان سازمان ملل اجازه خواهد داد برای تقویت نیروهای سازمان وحدت آفریقا وارد دارفور شوند.<sup>۱۲</sup>

هر چند دبیر کل سازمان ملل و دبیر کل اتحادیه عرب از استقرار نیروی صلح‌بان در ایالت آشوب‌زده دارفور ابراز خرسندی کرده‌اند ولی برخی دولتها از جمله ایالات متحده آمریکا، از آن‌رو که سودان به توافقنامه‌های پیشین درباره حضور نیروهای سازمان ملل در دارفور عمل نکرده و اجازه نداده است دالان کمکهای انسانی در دارفور برپا شود، موافقت سودان با حضور نیروهای صلح‌بان در سودان را به دیده تردید می‌نگرند. دولت سودان نیز آمریکا را متهم می‌کند که تلاش خود را بیشتر بر تغییر نظام در آن کشور متمرکز کرده است تا از میان برداشتن بحران دارفور. ۱۳ رئیس‌جمهوری آمریکا در حاشیه نشست سران هشت کشور بزرگ صنعتی (G8) گفت که «جهان باید برای پایان دادن به نسل‌کشی در دارفور سودان متحد شود».<sup>۱۴</sup> ایالات متحده آمریکا هم‌زمان سیاست کمکهای بشر دوستانه و سیاست گسترش تحریمها را دنبال می‌کند و در پی ایجاد یک منطقه پرواز ممنوع در دارفور برای کمک

● پیاده کردن نیرو در قلمرو یک کشور گونه‌ای مداخله به‌شمار می‌آید و بر پایه منشور ملل متحد آشکارا منع شده است؛ ولی حقوق بین‌الملل امروزین مداخله بشر دوستانه (Humanitarian Intervention) را مجاز می‌داند.

کرد و گفت نوزده گروه شورشی موجود در دارفور باید بی هر گونه پیش شرط پای میز مذاکره بنشینند.<sup>۱۷</sup> در ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۱۹۶۹ را که به گفته دبیر کل سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تاریخی است با استناد به فصل هفتم منشور (مشعر بر اقدام در موارد تهدید شدن صلح - نقض صلح و تجاوز) درباره فرستادن ۲۶ هزار صلح بان متشکل از نیروهای سازمان ملل متحد و سازمان وحدت آفریقا به دارفور تصویب کرد و نیز «دولت سودان به طور رسمی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را برای اعزام نیروی مشترک به دارفور متشکل از نیروهای اتحادیه آفریقا و سازمان ملل پذیرفت».<sup>۱۸</sup> این نیروی ۲۶ هزار نفری به نیروهای ۷ هزار نفری اتحادیه اروپا می پیوندد و به ظاهر، انتقال کامل سربازان و نیروها در قالب نیروهای تلفیقی تا پایان سال ۲۰۰۷ انجام خواهد شد.

امید می رود که با تصویب این قطعنامه خواست جامعه جهانی که پایان گرفتن هر گونه حمله به غیر نظامیان در

● **حقوق بین الملل نمی پذیرد که دولتها با تکیه بر «اصل عدم مداخله» دست به هر کار که می خواهند بزنند.** از دید حقوقدانان اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها نمی تواند توجیه کننده رفتار ناپسند برخی دولتها در زیر پا گذاشتن حقوق بشر به گونه گسترده در قلمروشان باشد.

یکی از شرایط مداخله بشردوستانه بر پایه نظریه اوپنهایم حقوقدان انگلیسی آن است که «دولتی با رفتار بیرحمانه با شهروندان یا پیگرد آنان، حقوق بنیادی آنان را به گونه ای زیر پا بگذارد که مایه جریحه دار شدن وجدان بشری شود».

به کاهش درگیریها در این منطقه است. به گفته یکی از استادان در رشته روابط بین الملل، هیچ گاه حقوق بشر به اندازه امروز با روابط بین الملل گره نخورده بوده است. در واقع حقوق بشر بخشی از ساختار نظام بین المللی شده است که هم در روابط سلطه آمیز نقشی برجسته دارد، هم در درگیریها.<sup>۱۵</sup>

در ژوئن ۲۰۰۷، ۷ هزار صلحبان سازمان وحدت آفریقا و ۳ هزار نیروی پشتیبان از سازمان ملل در دارفور مستقر شدند، ولی دولت سودان با استقرار ۲۳ هزار صلحبان مورد نظر سازمان ملل متحد مخالفت کرد.

در ژوئیه ۲۰۰۷ نشست بین المللی برای بررسی مسائل دارفور و هماهنگی بین المللی و بسیج جامعه جهانی، با حضور بان کی مون دبیر کل سازمان ملل، کوندالیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا، خاویر سولانا رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا و نمایندگان بیش از ۲۰ کشور جهان در پاریس برگزار شد. برجسته ترین موضوعات مورد بحث در این نشست عبارت بود از آغاز تلاشهای سیاسی در دارفور، کمکهای بشردوستانه و امنیتی، بازسازی مناطق آسیب دیده و بررسی آثار جنگ بر کشورهای دیگر. کشورهای غربی در این نشست توافق کردند که با سرمایه گذاریهای لازم در دارفور جلوی هزینه های سودان برای ادامه جنگ در دارفور را بگیرند. نیکلاس سارکوزی رئیس جمهوری فرانسه با شعار «سکوت در برابر این بحران کشنده است»، خواستار بسیج جامعه بین المللی شد و اینکه هر يك از طرفهای درگیر در بحران دارفور با ترسیم نقشه راهی برای حل آن پیش قدم شود. او تأکید کرد که فرانسه دوراهکار در این زمینه پیشنهاد می کند: نخست، افزایش نقش سازمان ملل و شورای امنیت و سازمان وحدت آفریقا در حل سیاسی بحران سودان؛ دوم، توجه فوری نیازهای امنیتی و انسانی در منطقه دارفور.<sup>۱۶</sup>

دولت سودان در کنفرانس پاریس شرکت نداشت و به آینده گفتگوها چندان خوشبین نبود و تنها بر پذیرش نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در منطقه دارفور بعنوان يك امتیاز تأکید می کرد، ولی پس از کنفرانس پاریس نماینده سودان در سازمان ملل متحد آمادگی دولتش را برای دیدار با گروههای شورشی در منطقه دارفور اعلام



گفتنی است که فراخوانی نمایندگان گروه‌های شورشی به گفتگو، به معنای شناسایی ضمنی این گروه‌ها خواهد بود و بدین‌سان، روابط آنها با دیگر اعضای جامعه بین‌المللی در پرتو اصول و ضوابط حقوق بین‌الملل شکل خواهد گرفت.

### یادداشت‌ها:

۱. ایران، ۸۶/۵/۱۴.
۲. «جنگ دارفور، مناقشه منطقه‌ای یا بحران جهانی؟»، به نقل از تایم، ترجمه حسن پویان، اطلاعات، ۸۶/۴/۲۴.
۳. «درگیری دهها پناهنده سودانی با پلیس مصر»، شرق، ۸۶/۵/۱۳.
۴. آرش مؤمنیان، «دارفور جایی که سکوت مرگ می‌آفریند»، شرق، ۸۶/۴/۵.
۵. «جنگ دارفور...»، پیشین.
۶. آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل عمومی در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلاتریان، ص ۳۲۰.
۷. دکتر رضا موسی‌زاده، بایسته‌های حقوق بین‌الملل، چاپ چهارم، میزان، ص ۱۰۷.
۸. به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، اطلاعات، ۸۶/۲/۱۰.
۹. ایران، ۸۶/۳/۹.
10. Lawrence Oppenheim, *International Law*, Longman Group Ltd, London 1955.
۱۱. چین بارها تلاش‌های جدی در شورای امنیت را به ناکامی کشاند. چین ۶۰ درصد نفت سودان را می‌خرد و پشتیبانی بی‌قید و شرط خود را از دولت خارطوم اعلام کرده است.
۱۲. به نقل از واحد مرکزی خبر، اطلاعات، ۸۶/۳/۵.
۱۳. تنها آمریکا نیست که از حقوق بشر بعنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد. کشورهای اروپایی نیز در چارچوب اتحادیه اروپا دست به چنین کاری ولی به شیوه‌های زیرکانه‌تری می‌زنند. دکتر احمد نقیب‌زاده، «تأثیر تحولات نظام بین‌المللی بر مفهوم حقوق بشر»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۲-۱۷۱، ص ۴۰.
۱۴. گزارش خبرگزاری رویتر، مه ۲۰۰۷.
۱۵. نقیب‌زاده، پیشین.
۱۶. تایم، ژوئیه ۲۰۰۷.
۱۷. به نقل از شبکه تلویزیونی الجزیره.
۱۸. به نقل از واحد مرکزی خبر، اطلاعات، ۸۶/۵/۱۱.
۱۹. همان.
۲۰. ایران، ۸۶/۵/۱۴.
۲۱. «جنگ دارفور...»، پیشین.

منطقه دارفور و پایبندی طرف‌های مربوط به همه‌بندهای این قطعنامه است تحقق یابد؛ ولی به علت ادامه یافتن درگیری‌ها، آینده چندان روشن نیست و برخی از قبایل دولت سودان را متهم می‌کنند که در این زمینه بی‌طرف نیست و برای نمونه در آستانه پذیرش قطعنامه شورای امنیت «قبیله الترحم دولت را متهم کرده است که جنگجویان قبیله الرزبقات را با اسلحه و نیروی اضافی تجهیز کرده است».<sup>۱۹</sup>

در قطعنامه ۱۹۶۹ شورای امنیت از گفتگوهای صلح میان طرف‌های درگیر در دارفور در کشور تانزانیا پشتیبانی شد و به گزارش خبرگزاری‌ها با میانجیگری سازمان ملل و سازمان وحدت آفریقا فرماندهان بیش از ۱۰ گروه شورشی به یک نشست سه روزه فراخوانده شدند ولی آنچه مایه نگرانی است، شرکت نکردن برخی از سران گروه‌های شورشی مانند گروه شورشی موسوم به جنبش آزادیبخش سودان در گفتگوها است.<sup>۲۰</sup> گفتنی است که چنددستگی گروه‌های شورشی، برجسته‌ترین عامل شکست گفتگوها در گذشته بوده است.

### بهره سخن

با همه تلاش‌های جامعه جهانی، تا هنگامی که طرف‌های درگیر در دارفور نپذیرند که تدابیر ریشه‌ای و کارساز برای فرونشاندن فاجعه ضرورت دارد، برخوردها همراه با خونریزی و افزایش شمار آوارگان بی‌پناه ادامه خواهد یافت. از سوی دیگر، از دید تحلیل‌گران، جنگ دارفور تنها از دشمنی‌های قومی و قبیله‌ای مایه نمی‌گیرد و ریشه‌های زیست محیطی نیز دارد. «ویرانی و ویرانگری کنونی در دارفور شواهدی است بر آثار بالقوه فاجعه‌بار دگرگونی اقلیمی که چون بختکی بر سر جوامع سراسر قاره آفریقا فرود آمده است. جنگی که در جنوب صحرا و در ناحیه دارفور جریان دارد، به شهادت تمام نشانه‌ها، نبردی ابدی به خاطر آب، غذا و سرپناه است؛ صحرا بدون وقفه در حال پیشروی است. بارندگی در اینجا از نیم‌قرن پیش تاکنون بیش از پیش کاهش یافته و در دارفور اوضاع چنان به وخامت گراییده که حتی توسل به جنگ را برای تمام کسانی که هنوز ناگزیرند در آنجا بسر برند بی‌انگیزه کرده است».<sup>۲۱</sup>